

کنشگری اجتماعی امروز زنان

نگاهی به بیانیه 300 سینماگر زن در خصوص آزار و تعرضات جنسی

يك جامعه سالم فارغ از نگاه جنسیت‌زده، خود را متشکل از 2 گروه می‌داند. زن و مرد. زنان و مردانی که در کنار یکدیگر، شانه به شانه سعی بر آن دارند تا در ابتدای امر خود و زندگی خود و سپس در مقیاس کوچک خانواده و در ابعادی وسیع‌تر جامعه را بسازند. اما نگاه جنسیت‌زده از دیرباز و در طول تاریخ گریبانگیر فرهنگ و جامعه ایرانی بوده است. چه آن زمان که زنان از هیچ‌گونه حق انتخابی برای خود و نیازهای فردیشان برخوردار نبوده و به طرق گوناگون مورد آزار روحی و روانی و گاهی جسمی قرار می‌گرفتند (که نمودش هنوز در همسایگی ما افغانستان دیده می‌شود یا حتی در خانه پدری کیانوش عیاری نمونه وطنی‌اش مشاهده شد) و چه آن زمان که برای فعالیت‌هایشان در جامعه خط و خطوط قرمز و سیاه و... کشیده می‌شود. یکی او را تنها در کسوت يك زن خانه‌دار محترم می‌شمارد، دیگری حاضر است تا آنجا که می‌تواند او را تحقیر کند (کلامی، روحی و جسمی) یا کسی چون گرگی در لباس میش، خود را به او نزدیک می‌کند تا از این طریق به مقاصد بیمارگون خویش برسد.

زنان در جامعه ما همیشه در معرض انواع تعرضات بوده‌اند. آن هنگام که خدمات، نیروها و اندیشه‌های خلاقانه‌اش در مقایسه با يك جنس مذکر هیچ شمرده می‌شود، به او تعرض شده است. وقتی در خیل همکاران و همکلاسی‌ها و همفکرهای خود، به بهانه زن بودن تعریف از چهره و وجنات ظاهری‌اش جایگزین نقد و تحلیل افکار، آرا و دستاوردهایش می‌شود، به او تعرض شده است. وقتی برای او تصمیم می‌گیرند که در زندگی چگونه باشد به او تعرض شده است.

این روزها که انتشار بیانیه 300 سینماگر زن در خصوص آزار و تعرضات در جامعه سینمایی خبرساز و به دنبالش متأسفانه منجر به واکنش و جوابیه‌ای منفعلانه از سوی خانه سینما شد، بد نیست به این بیانیه نگاهی عمیق‌تر و وسیع‌تر داشته باشیم.

به زعم نگارنده، اگر از عنوان «[300 سینماگر زن](#)»، مصدر سینماگر بودن را حذف کنیم، آنگاه با 300 زن روبرو هستیم که می‌توانند مثلی نمونه خروار از همه زنان این جامعه باشند که تصمیم گرفتند در جامعه حضور مثبت، فعال و تاثیرگذاری داشته باشند اما در طول سالیان در همین جامعه‌ای که زنانش در فکر رشد و ارتقایش بودند، با نهایت بی‌رحمی با آنان رفتار کرده و در دوره‌های مختلف سعی داشته

زنان را به کنج رینگ بکشاند و در مظان اتهامشان قرار دهد. مواردی به اندازه انگشتان دست را می‌توان یافت که جامعه (متشکل از مردان و زنان سالم از منظر آگاهی و اندیشه درست) در پشت یک زن ایستاده و از او در مسیرش حمایت کرده باشد یا اگر جایی خطری متوجه او می‌شده یا فردی یا کسانی سعی به تعرض به حقوق اولیه انسانی او را داشته‌اند، دورش را گرفته تا مبادا آسیبی به او برسد.

نه تنها این 300 زن، بلکه تمام زنان در جایگاه‌های مختلف اعم از دانشجو، معلم (استاد)، پژوهشگر، خانه‌دار، کارمندان ادارات دولتی و خصوصی، یک عابر پیاده، یک ارباب رجوع وقتی خود را به سازمانی می‌رساند تا گره‌ای از زندگی‌اش بگشاید، قاضی، طلبه، هنرمند و ... بسیاری مشاغل و کسوت‌های دیگر باید پشت این بیانیه و بیانیه‌هایی از این جنس بایستند تا این حرکت در تمام لایه‌ها و ابعاد جامعه گسترش پیدا کند و تمام قصه‌ها و رازهای مگویی که از ترس بایکوت‌شدن، قربانی یا متهم‌شدن در سینه زنان این سرزمین دفن شده بر دهان‌ها و زبان‌ها جاری شود. تا به هر روی فردی (در جایگاه قدرت جسمی یا موقعیت اجتماعی) که این فرد می‌تواند چه زن باشد و چه مرد، به خود اجازه تعرض به حقوق فرد دیگر (اعم از زن و مرد) را ندهد.

امروز که پس از انتشار این بیانیه، مجلس خواهان [طرح لایحه صیانت از زنان](#) و حفظ امنیت آنان در برابر خشونت در صحن خود است، باید نگاهش را به کل جامعه زنان بسط دهد و هیچ اما و اگر برای هیچ فردی در هیچ جایگاهی با هیچ قدرت مالی و اجتماعی قائل نشود. چه بسیار زنانی که به دلیل دیده‌نشدن و عدم حمایت‌های مناسب در لایه‌های پنهان جامعه زیر بار انواع تعرضات گوناگون له می‌شوند و هیچ دادرسی ندارند.

امروز نمایندگان محترم مجلس، شایسته است از این بیانیه حسن استفاده را کرده و دست تمامی آنانی که سعی دارند عفت عمومی جامعه را خدشه‌دار کنند و از آن محیطی ناامن برای زنان بسازند تا ایشان را از ترس به درون خانه‌ها و انتخاب‌های ناصحیح و نادرست بکشانند، کوتاه کنند. چراکه تنها از این طریق است که می‌توان امید داشت آینده فرزندانمان روشن باشد و دخترها و پسرهایمان در کنار هم به شیوه‌ای انسانی و اخلاقی در مسیر رشد و تعالی این کشور قدم بردارند. در غیر این صورت در پشت بسیاری از درهای بسته این جامعه ظلم‌های بی‌شماری در حق شهروندان این جامعه (چه زن و چه مرد) خواهد شد و کسی خود را مسوول و پاسخگویی آن نمی‌داند.